



تقریر، حجت‌الاسلام علی بهادرزایی محقق و مدرّس حوزه علمیه قم؛
جایگاه فقیه در موضوع شناسی احکام از منظر استاد شهیدی‌پور

بهمن ۲۳، ۱۴۰۰  آخرین اخبار، اجتهاد و اصول فقه، دیدگاه و گزارش

اختصاصی شبکه اجتهاد: اگرچه تأثیر بزرگ شناخت موضوعات احکام محل تردید و شبهه نیست؛ اما اینکه آیا فقهاء هم در ای از طرفی در رساله‌ها یا استفتائات مباحث متعدّدی در مواردی مانند «وطن»، «کثیر السفر» و امثال آن مطرح شده که نشان شناسی مورد اعتماد هستند. و از طرفی دیگر اندیشمندانی مانند شهید مطهری صراحتاً ذیل بحث از چیستی اسکناس تصریح نیستند تا فقیه ملزم باشد در مورد آن‌ها نظر دهد. [۱]

این مساله از منظر استاد محمدتقی شهیدی‌پور هم دور نمانده و ایشان در مباحث فقه معاصر و ذیل بحث ماهیت پول به ؛ نیز ارائه گزارشی مختصر از مطالب این استاد برجسته حوزه علمیه قم است:

صورت مساله

بحث راجع به این است که آیا اوراق نقدیه مال هستند یا سند مال؟ اما قبل از این‌که شواهد طرفین را بررسی کنیم، لازم مسأله ربا و بانک مطرح کرده‌اند، عرض کنیم. به صورت خلاصه ایشان فرموده‌اند: «تشخیص سندیت یا مالیت اوراق نقدیه از نیست.» این مطلب در موارد مشابه بحث فعلی نیز قابل تکرار است و اختصاصی به مساله ماهیت پول ندارد، بنابراین ناچ اصلی در بحث این است: در برخی از موضوعات فقهی که فقهاء نظر می‌دهند - مانند بحث «کثیر السفر»، «توطن»، «من بر دیگران حجیت دارد؟ پاسخ ما مثبت است و به نظرم روشن شدن این مطلب در گروی توجه به اقسام مختلف شبهات ا»

تقسیم شبهات به مفهومیه و مصداقیه

گاهی موضوعات احکام، اموری تکوینی‌اند مثل آب؛ و شک در آن‌ها شک در مصداقشان است مانند این که فلان مایع مو-
بختی ربطی به فقیه ندارد. منتهی گاهی شبهه مفهومی است.

تقسیم شبهات مفهومی به شبهه در موضوعات مستنبطه و موضوعات غیر مستنبطه

شبهات مفهومی خود بر دو قسم‌اند: برخی از آن‌ها نیاز به استنباط ندارد؛ مثل این که لیوان آب مخلوط شده با یک قاشق شکر
این قسم نیز ارتباطی به فقیه ندارد.

اما گاهی شبهه مفهومی در موضوعاتی است که نیاز به حدس و کارشناسی دارد؛ یعنی عرف عام نظر دادن در آن‌ها را محتمل
قسم به نظر ما فقیه به عنوان کسی که مراحل تخصصی احراز موضوع مثل لغت‌شناسی، بررسی اشباه و نظائر و ... را طی
اقتصاد داشته، آن را تعلم کرده، می‌تواند نظر دهد؛ اظهار نظری که ناشی از کارشناسی فقیه باشد هم بر عامی حجت
حجت نباشد؛ زیرا تشخیص ظهورات چنین الفاظی، مقدماتی می‌خواهد که عامی آن را طی نکرده و عجالتاً هم نمی‌تواند
صورت انحصاری نیست، بلکه اگر غیر فقیه هم مقدمات را طی کند و مصداق خبره در مساله باشد، قولش معتبر است)

احتمال معتبر ندانستن قول برخی متخصصان غیر فقیه در موضوعات تخصصی

حتی به نظر می‌رسد در بسیاری از این شبهات مفهومی (نه تمام آن‌ها) می‌توان ادعاء کرد نظر کارشناسی غیر فقهاء حجت
فقیه هم حجت. دلیل این مطلب آن است که احکام بر معنای مرتکز از موضوعات در اذهان عرف عام مترتب می‌شوند، در
الفاظ را از این جهت مورد کشف و واکاوی قرار نمی‌دهند. مثلاً امکان دارد یک اقتصاددان از این جهت که هدف او کشف
رشد تولید، اسباب رکود بازارهای مالی و ... بوده، با توجه به مولفه‌های علم اقتصاد مباحثی را طرح کند و نهایتاً نتیجه به
ربطی به فهم عرف عام دارد؟ یا یک پزشک در مورد مرگ مغزی بگوید: من دنبال کشف یک حقیقت خاص هستم و در م
افتاده، آن حقیقت صادق نیست و شخص مرده؛ هر چند عرف هنوز می‌گویند فلانی با دستگاه زنده است.

بلکه گاهی اصلاً متخصص خودش را متکفل پاسخ نمی‌داند؛ مثلاً در مورد تعیین مادر نوزاد حاصل از تلقیح مصنوعی، آیا م
می‌دهد: تخمک را از زن اول گرفتیم و در رحم زن دوم کاشتیم، نوزاد هم به دنیا آمد و رسالت ما انجام شد. اینکه «مادر
ندارد.

خلاصه بیان ما تا الان این شد که در برخی شبهات عرف عام نمی‌تواند مرجع باشد زیرا اظهار نظر نیاز به اعمال مقدمات بر
مرجع دانست زیرا که کاوش کرده و با پیمودن مقدمات و اقامه شواهد، ارتکاز عرف عام را کشف و تبدیل به علم تفصیلی
غیر فقیه هم معتبر نیست مگر آنکه احراز شود تخصص در فهم معانی از منظر عرف عام دارد و آن تخصص را در این جهت
بین دو نظر وجود داشت که مشکلی پیش نمی‌آید، اما اگر تعارضی به وجود آمد، مطابق سیره عقلانیه عامی باید به اعلم در

عدم لزوم حصول اطمینان

مطلبی که نهایتاً باید اضافه کنیم این است که رجوع به مجتهد در شبهات مذکور، از باب اطمینان نیست. یعنی نباید ادعاء
به تشخیص فقیه اعتماد دارند، می‌توانند به او رجوع کنند؛ زیرا در صورت پذیرفتن چنین ادعایی، اعتبار بسیاری از آراء فقهی
بخشی از اختلافات ناشی از صدق و عدم صدق «فائده» است؛ مجتهدی قائل به صدق «فائده» در مهریه و وجوب خمس
بالتالی وجوب خمس را منتفی می‌داند. همچنین در بحث ضمان که بسیاری از اختلافات ناشی از این است که مجتهدی عرفاً
اما مجتهدی دیگر می‌گوید «اتلاف» صدق نمی‌کند و ضمانی بر عهده نیست. یا در اسکناس بحث است که آیا «اداء الخمس
موارد و بسیاری مانند آن‌ها اختلاف فتوا ناشی از تشخیص انطباق عناوین بر مسائلی است که مورد بحث قرار گرفته؛ خب ا
مجتهد ندارد و اعتبار آن از باب اطمینان است، فتاوی بسیاری بی اعتبار می‌شوند.

[۱]. نقل به مضمون از کتاب مساله ربا و بانک صفحه ۶۰ چاپ ۱۹ در سال ۱۳۸۹

[۲]. جلسات برگزار شده در تاریخ هشتم و بیست و دوم اسفند ماه ۱۳۹۷ که نگارنده توفیق حضور داشته است.